

متن پرسش

سلام و درود بر استاد: من هم مثل شما مقیدم که شان دین اسلام و ائمه طاهرین از لحاظ حوزه ماموریت و اثر گذاری کل جهان بوده و هست. اکنون که کشتی‌بان این ماموریت امام عصر (عج) می باشد و انقلاب ایران و کشور ما پرچمدار این حرکت است من به این فکر می کنم در برابر این عدم تعادل ما ایرانیان در سطح جهانی و ضعف های شدید و غیر قابل توجه جریان های مدیریتی در بخش های مختلف در داخل کشور، چگونه می توان به ظهور نزدیک شد و دم از آن زد. نیش و کنایه یا شاید حرف حسابی که بعضی امروز به ما می زنند همین است که در برخی از کشورها در جهان حداقل رانت خواری و کمترین مراجعه به دادگاهها وجود دارد و اگر مفهومی از اسلام به صورت قابل رویت بخواهیم ببینیم، آنجاست نه ایران. من رهبر عزیزمان را مقصر نمی دانم. اما فضای موجود در کشور را هم قابل قبول نمی دانم و بلکه دارم به این نتیجه می رسم زحماتی که مخلصین انقلابی و رزمندگان اسلام کشیده اند دارد بر باد می رود. این دوگانگی در روز به روز بدتر شدن اوضاع داخلی کشور و حرکت به سمت جهان مهدوی توسط ایران برایم قابل فهم نیست. و جرات ورود به فعالیت در میدان های علمی و فرهنگی را ندارم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همچنان که مکرر عرض شده مردم ما از بعضی جهات هنوز از حالاتی که یک کشور استعمارزده گرفتار آن است، در نیامده. ولی بنیاد روحانی مردم چیز دیگری است و لذا در آینده با نسلی روبه‌رو هستیم که هم‌تراز اهداف انقلاب خواهند بود. گمان می‌کردیم در سیطره‌ی فرهنگ سکولاریته‌ی مدرن که در حاکمیت نظام شاهنشاهی بر ما گسترش یافته بود، اسلامیت ما در حال رفتن خواهد بود. در حالی که با حضور انقلاب اسلامی معلوم شد اسلام به سوی ما می‌آید و همین گمان را ممکن در مورد انقلاب اسلامی داشته باشیم غافل از این که انقلاب اسلامی سنت تاریخ ما است و به ما سپرده شده و ما، اِحال به آن هستیم. ممکن است گمان کنیم ماشین ما واقعی‌تر از ایده‌ی انقلاب اسلامی در این تاریخ است، در حالی که ایده‌ی آن انقلاب بدون آن که مستقیماً با ما سخن بگوید، ما را در سنت خود فرا گرفته و از بی‌تاریخی حفظ می‌کند. دیدگاهی که رخدادهای تاریخی را امور تاریخی می‌بیند، متعلق به گونه‌ای خودفریبی است تا وقتی به راستی تفکر به میان نیامده است. موفق باشید